■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir
www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌های اصفهان، اهواز، تبریز، ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

یکشنبه ۹ دی ۱۳۹۷ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۸۶ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Sunday - 2018 Dec 30

حدیث روز: تحف‌العقول

امام کاظم(ع):
مؤمن کم حرف و پرکار است و منافق پرحرف و کم کار.

پلک احساس: شهریار

ای غم که حق صحبت دیرینه داشتی
باری چو می‌روی به خدا می‌سپارمت

امروز در تاریخ:

- روز بصیرت و میثاق با ولایت
- ترور نافرجام شیخ فضل‌ا... نوری به دست کریم دواتگر، عامل کمیته مجازات (۱۲۸۷ ش)
- عضویت ایران در جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول (۱۳۰۰ ش)
- نمایش آبی و رابی؛ نخستین فیلم بلند داستان صامت ایرانی، در سینما ماپاك (۱۳۰۹)
- درگذشت رومن رولان، نویسنده و ادیب معروف فرانسوی (۱۹۴۴م)
- اعدام صدام، رئیس جمهور سابق عراق (۲۰۰۶م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۰۷ | غروب آفتاب: ۱۷/۰۰
اذان مغرب: ۱۷/۲۰ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۲
اذان صبح (فردا): ۵/۴۴ | طلوع خورشید(فردا): ۷/۱۴

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	اراک	اردبیل	بیرجند	رشت	زنجان	سنندج	یاسوج
۲ / ۱۰	۵- / ۹	۴- / ۶	۱- / ۱۴	۵ / ۱۲	۸- / ۵	۵- / ۸	۴- / ۸

حکمت ۲۳: نهج‌البلاغه

کسی که کردارش او را به جایی نرساند، افتخارات خاندانش او را به جایی نخواهد رساند.

زنگ انشاء

دوست دارید در آینده چه‌کاره شوید؟

به نام خداوند حافظ کودکان و با عرض سلام خدمت شما معلم عزیزتر از جانمان انشای خودمان را با موضوع دوست دارید در آینده چه‌کاره شوید؟ را به خدمت شما ارائه می‌نماییم.

من دوست دارم در آینده هیچ‌کاره شوم؛ یعنی دوست دارم هیچ کاری نکنم و فقط صبر کنم تا در آینده، نزدیك‌تر زودتر بمیرم و تبدیل شوم به خاك و بعد خاکم تبدیل شود به یك تکه فلز محکم. من دوست دارم خیلی چاق بشوم تا فلزهای زیادی از من به دست بیاید و بعدش با من که یك تکه فلز هستم یك بخاری خیلی گرمابخش برای بچه‌های سرزمینم در زاهدان و شین‌آباد و جاهای دیگر که خیلی سرد است و طفلکی‌هایشان یخ می‌کنند بشوم، من قول می‌دهم خودم مراقب حرارت خودم باشم و اجازه ندهم دست‌های کوچولوی هیچ بچه‌ای توسط من سوخته گردد. اگر از آن تکه فلز وجود من چیزی هم زیاد آمد دوست دارم از بقیه‌ام یك چند متر گارد ریل درست کنن و کنار جاده‌های خطرناك خصوصا خیابان پیچدار و سر پایینی‌دار دانشگاه علوم تحقیقات نصبم کنند تا مراقب اتوبوس‌های ترکیده و فرسوده که سرویس دانشگاه هستند، باشم که خدایی نکرده ترمزشان نبرد و در درون دره نیافتند و از آنها مراقبت بکنند.

ما از این انشا نتیجه می‌گیریم جان ما بچه‌های مردم در کشور ما خیلی ارزشی ندارد و ما باید خیلی مراقب خودمان باشیم تا خدایی نکرده اتفاقی برایمان رخ ندهد و بلایی سرمان نیاید.

ما باید خیلی از مسؤولان متشکر باشیم که بچه‌های خودشان را به مدارس خارج که خیلی بد است و هیچ‌کس مثل آدم حرف نمی‌زند و حتی خوراکی هم به هم نمی‌دهند برده‌اند و مدارس ایران را خلوت نموده‌اند تا ما خیلی اذیت نشویم. البته که مرگ حق است و همه می‌میرند و گارد ریل و اتوبوس و بخاری و پراید وسیله هستند و حتی مسؤولان زحمتکش ما هم هیچ تقصیری ندارند و باید به آنها احترام بگذاریم، تا خدای نکرده استعفا ندهند و ادارات و ارگان‌های ما بی‌مسؤول بمانند. من در همین‌جا انشای خودم را به پایان می‌رسانم و امیدوارم بتوانیم بزرگسالی را هم تجربه کنیم.

با تشکر این بود انشای من.

پرواز مخفیانه چگونه لو رفت!

سفر چهارشنبه‌شب (۵ دی ماه/ ۲۶ دسامبر) دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و همسرش ملانیا، یك پرواز مخفی به عراق بود.

به گزارش العالم، نخستین سفر رهبر آمریکا به کشور عراق رسما اعلام نشد. پیش از این‌که هواپیمای ترامپ از واشنگتن خارج شود ۱۳ روزنامه‌نگار از رسانه‌ها سوگند یاد کردند که اطلاعات مربوط به پرواز را تا زمانی که کاخ سفید اعلام نماید یا رئیس‌جمهور به ایالات متحده بازنگردد، افشا نکنند. هواپیمای ترامپ با چراغ خاموش، همراه با جنگنده پرواز کرد. اما این مخفیکاری زمانی که یکی از ساکنان انگلستان، آلن ملوی از شفیلد، متوجه شد برملا گردید.

روز چهارشنبه، هنگامی که آلن ملوی از پنجره آشپزخانه خود نگاه کرد متوجه یك هواپیما در آسمان شد. وی که بیش از ۴۰ سال است هواپیماها را تماشا می‌کند، متوجه شد که این هواپیما یك هواپیمای غیرمعمول است. این مرد شروع به عکاسی از هواپیما کرد و عکس را در شبکه فلیکر به اشتراك گذاشت.

معلوم شد که این هواپیمای ترامپ است و کاربران حدس زدند که احتمالا یا به افغانستان پرواز می‌کند یا به عراق و به این ترتیب این عکس سفر ترامپ به عراق را لو داد. سفر سرزده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به عراق با واکنش منفی مسؤولان این کشور مواجه شد.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با مهرداد ضیایی، بازیگر و نویسنده

با مهربانی کاسبی نکنیم

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

نویسنده‌ها آدم‌های معمولی نیستند و نباید توقع داشت مثل عموم مردم به دنیا نگاه کرده و مثل آدم‌های عادی زندگی کنند. در درون هر نویسنده چند نفر زندگی منحصر بفرد خود را دارند و مدام در گوش نویسنده زمزمه می‌کنند که این زندگی را روی کاغذ بیاور. نویسنده هر چند به ظاهر خاموش است، اما در درونش غوغایی است، با شخصیت‌ها سر و کله می‌زند، به آنها زندگی می‌بخشد تا زمانش برسد و آنها را به کلمه و جمله تبدیل کند. همه اینها باعث می‌شود تا نویسنده‌ها آدم‌های عادی نباشند، باید با احتیاط به آنها نزدیك شد تا مبادا کاسه لبریز از زندگی و شخصیت آنها ترك بردارد و آنچه رشته بودند، پنبه شود. حالا تصور کنید که این نویسنده، بازیگر هم باشد و علاوه‌بر شخصیت‌های داستان و فیلمنامه به نقشی که روی صحنه تئاتر و مقابل دوربین بازی می‌کند هم فکر کند و با او هم کلنجار برود که چگونه اجرایش کند تا ما که او را می‌بینیم، باورش کرده و احساس نکنیم تقلبی و الکی است.

مهرداد ضیایی، هم بازیگر است و هم نویسنده اما قبل این که وارد دنیای بازیگری شود، نویسنده بوده و الان هرچند بیشتر مردم او را به عنوان بازیگر می‌شناسند اما او خودش را نویسنده، می‌داند، نویسنده‌ای که هم داستان می‌نویسد و هم فیلمنامه. اما ضیایی این روزها دلخور است، هم از دنیای بازیگری و هم از دنیا و شرایط نویسندگی. ضیایی که به مهربانی و اخلاق‌مداری بین سینماگران و اهالی تلویزیون و تئاتری‌ها شهرت دارد، حتی نام کاری که در آن بازی می‌کند هم نمی‌داند و وقتی به او می‌گویم دلیل این ندانستن چیست، می‌گوید: کارگردانش مهرداد خوشبخت است که بسیار به او ارادت دارم، کارگردان کاربلدی است. با همه اینها نه فیلمنامه می‌خوانم و نه علاقه‌ای دارم که درباره آن بیشتر از نقشم بدانم. در یك کار بازی کرده‌ام از زمستان پارسال تا الان فقط یك قسط پیش پرداخت دریافت کرده‌ام و با این‌که تصویربرداری تمام شده اما دستمزدم را نگرفته‌ام! وقتی تولیدکننده‌ها اینجوری با ما رفتار می‌کنند من چرا باید نسبت به آثاری که در آنها بازی می‌کنم خودم را صفر تا صد متعهد کنم. وقتی آنها با من با بی‌مهری رفتار می‌کنند، من آن‌قدر رغبت ندارم که حتی نام کار را به خاطر بسپارم. فیلمنامه می‌نویسم، کامل و حرفه‌ای. اما تصویب نمی‌شود. هستند کسانی که دو خط طرح فیلمنامه می‌برند و تصویب می‌کنند و بودجه می‌گیرند، در چنین شرایطی با چه دلگرمی‌ای کار کنم.

حرفه و علاقه اصلی‌ام نوشتن است و در دهه ۸۰ کار اصلی‌ام نوشتن بود اما چند سالی است مجبورم برای گذراندن زندگی بازی در هر نقشی را قبول کنم و بیشتر اوقات از این کار لذت نمی‌برم که بماند، اذیتم هم می‌شوم.

ما شما را به عنوان آدم با سواد و مهربان می‌شناسیم، این را در نقش‌های شما هم می‌توان دید، تاکنون چند بار شما را در نقش دایی دیده‌ایم و در باور همه ما دایی‌ها، مهربان‌ترین آدم‌های روی زمین هستند. اما انگار شرایط سخت این روزها حوصله و تحمل شما را هم کم کرده.

بازیگر آثاری مانند کیمیا، راه بی‌پایان، آشپزباشی، مادرانه و... می‌گوید: بله! گاهی ظرفیت روانی آدم‌ها به شکلی تمام می‌شود، در این شرایط آدم‌ها واکنش‌های مختلفی بروز می‌دهند که یکی از آنها آزار رساندن به دیگران است و گاهی آزار رساندن به خودت و من با قبول کردن نقش‌هایی که دوست ندارم به خودم آسیب می‌زنم، احساس بطالت و حسرت حالم را بد می‌کند. قرار بود کاری را برای آقای محمد حاتمی بنویسم که از طریق بنیاد رودکی اجرا شود، اما آن‌قدر تخلیه روانی شدم که مردم این کار را تمام کنم یا نه. کلا درباره نوشتن دچار تردید شده ام که این حرفه را ادامه بدهم یا نه.

به ضیایی می‌گویم به باور من از نویسنده‌ها باید حمایت ویژه شود، چون این گروه تفکر و اندیشه را به جامعه تزریق می‌کنند و اگر حالشان خوب باشد حتما اندیشه‌ورزی در جامعه ما قوت پیدا می‌کند. این نویسنده معتقد است که نوشتن و نویسنده در کشور ما جدی گرفته نمی‌شود. او می‌گوید: من با جاهای زیادی همکاری کرده‌ام؛ از وزارت ارشاد بگیر تا دانشنامه‌های مختلف که کار سوپر آکادمیك انجام می‌دهند، اما هیچ‌کدام از این سازمان‌ها و نهادهای معتبر ردیف و تعریفی به‌نام نویسنده نداریم! ویراستار داریم اما نویسنده نه، حتی به عنوان صحاف می‌توانی استخدام شوی اما به عنوان نویسنده نه! سال‌هاست این سوال را مطرح می‌کنم که چطور می‌شود نویسنده استخدام نشود اما ویراستار بشود، هرچند نزدیك به ۳۰ سال است ویراستارم اما هیچ کجا مرا استخدام نکرده است.

ضیایی نقش‌های مختلفی را بازی کرده. به قول خودش حتی نقش آدمکش را هم بازی کرده و ۵۰ بار در کارهای مختلف وکیل بوده، اما سه بار دایی بوده که اتفاقا همان دایی‌ها بیشتر در ذهن‌ها مانده. به ضیایی می‌گویم شاید به این دلیل که در جامعه ما که کم و بیش عصبانی است مردم به دنبال مهربانی هستند و آدم‌های مهربان یادشان می‌ماند. این جست‌وجو برای دریافت مهر و مهربانی حتی به نقش‌ها هم رسیده. از این نویسنده که به‌تازگی مجموعه شعرش با نام «مرا به پیراهنت بسپار» منتشر شده درباره مهربانی و تاثیراتی که بر مردم و جامعه دارد، می‌پرسم، می‌گوید: متاسفانه در کشور برای بردباری، رواداری و مهربانی دچار حساب و کتاب شده‌ایم. مردم بیشتر حرف مهربانی را می‌زنند تا عمل به آن. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت مهربانی و بردباری گسترش پیدا کند. واقعیت این است که مهربانی تبدیل به معامله و کاسبی شده است. در فرهنگ شرق و در دین ما تاکید شده که مهربانی باید بدون حساب و کتاب و بدون سود و منفعت شخصی باشد اما الان بیشتر ما منتظریم در قبال خوبی و مهری که به دیگران می‌کنیم، دو برابرش را دریافت کنیم، منتظر نتیجه مادی هستیم که این با ذات مهربانی مغایر است. در جامعه‌ای مانند آمریکا همه چیز بر مبنای معامله و سود و زیان مالی است.

برای همین، آنجا هیچ‌کس توقع ندارد از دیگران مهربانی بی‌حساب و کتاب دریافت کند و این‌گونه مهرورزی در چارچوب خانه و خانواده تعریف شده است، اما ما که در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که کتاب‌های قرآن و نهج‌البلاغه سبك زندگی را به ما یاد می‌دهد باید قواعد مهربان زیستن را هم از این کتاب‌ها یاد بگیریم. در این کتاب‌ها تاکید شده مهربانی برای کاسبی و معامله نیست. به همین دلیل به همه پیشنهاد می‌کنم گاهی قرآن و نهج‌البلاغه بخوانیم.

جایزه مروج علم به روزنامه جام جم رسید

مراسم اهدای سومین جایزه چراغ، شامگاه جمعه (هفتم دی ۹۷) با حضور جمعی از مروجان علم، دانشگران و روزنامه‌نگاران علمی در محل باغ‌موزه قصر در تهران برگزار شد. در این مراسم از برندگان این جایزه در سه بخش «یك عمر تلاش برای ترویج علم»، «دانشگر مروج علم»، و «مروج علم سال» با اهدای تندیس مزین به یك فسیل آمونیت ۱۶۰ میلیون ساله تقدیر به عمل آمد. در این مراسم مهندس احمد دالکی، جایزه بخش «یک عمر تلاش برای علم» را دریافت کرد. جایزه بخش «دانشگر مروج علم» نیز به دکتر آیرین شیوایی و دکتر آزاده کیوانی از طرح اسطرلاب تعلق گرفت. طرحی که به تشریح آخرین یافته‌های به‌دست آمده در دانش اخترفیزیك و کیهان‌شناسی به زبان ساده برای مخاطبان فارسی‌زبان از طریق وبگاه می‌پردازد. در این مراسم جایزه «مروج علم سال ۹۷» به مهندس کاظم کوکرم، روزنامه‌نگار علمی و دبیر گروه دانش و سلامت روزنامه جام جم تعلق گرفت. وی در یك سال گذشته با مشارکت موثر به‌عنوان کارشناس علمی در تولید برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و تلاش در انتشار محتوا در نشریات علمی، کوشش جدی و فراگیر در عمومی‌سازی علم به‌عهده داشته است. جایزه چراغ، جایزه‌ای است که هر سال به شناسایی برترین مروجان علم در سه رده «یك عمر تلاش برای ترویج علم»، «دانشگر مروج علم» و «مروج علم سال» می‌پردازد.

عکس: میزان

زمستان پر برف در جاده اردبیل به گیلان

بحران در مرز مکزیك

یك مهاجر مکزیکی که تلاش می‌کرد از حصار مرزی با آمریکا عبور کند بین سیم‌های خاردار گیر کرد و به‌شدت زخمی شد.

به گزارش فرارو، این مرد پس از بالا رفتن از دیوار با سیم‌های خاردار قرار داده شده پشت دیوار مرزی روبه‌رو شد، اما هنگام رد شدن بین سیم‌های خاردار گیر افتاد. تلاش‌های این مرد که لباسش پاره و زخمی شده بود سرانجام نتیجه داد و او توانست از بین سیم‌های خاردار خارج شود، اما توسط نیروهای مرزبان آمریکایی بازداشت شد. مسافران کاروان مهاجران به ورود غیرقانونی از شهر تیخوانا به خاك آمریکا ادامه می‌دهند. دونالد ترامپ وعده داده ورود پناهجویان غیرقانونی به آمریکا را سخت‌تر از گذشته کند.

مقطع حساس کنونی

حکایت نمادین مرد چهارزنه

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

شخص ثروتمندی چهار همسر به نام‌های همسر اول، همسر دوم، همسر سوم و همسر چهارم داشت. شخص، همسر چهارمش را بسیار دوست می‌داشت و برای او چیزهای قشنگ و گران می‌خرید. همسر سومش را نیز دوست می‌داشت و با او نزد اطرافیان شوآف می‌کرد. همسر دومش را نیز مقداری دوست می‌داشت و در مشکلات از او کمك می‌گرفت. اما به همسر اولش وقع خاصی نمی‌نهاد، به‌رغم آن‌که همسر اول همواره نگران او بود و واقعا به‌طرزی مذبوحانه به او علاقه داشت.

روزی شخص ثروتمند بیمار شد و احساس کرد هرآن دار فانی را وداع خواهد گفت. پس سراغ زن‌هایش رفت تا ببیند اگر بخواهد بمیرد، با او همراهی خواهند کرد یا خیر. زن چهارم گفت: عمرا و فی‌الفور رفت تا شوهر جدیدی اختیار کند.

زن سوم گفت: اگر بمیری من غصه خواهم خورد، اما مدتی بعد شوهر خواهم کرد و او با من شوآف خواهد کرد.

زن دوم گفت: اگر بمیری من ناراحت خواهم شد و تا دم گور با تو خواهم آمد، ولی از آنجا به بعد را شرمنده‌ام.

در این هنگام زن اول گفت: من هرجا بروی با تو خواهم آمد و همواره همراهت خواهم بود. پس رو به دوربین کرد و گفت: بینندگان عزیز، شما در مقابل دوربین مخفی هستید. لطفا برای دوربین ما دست تکان بدهید. وی سپس ادامه داد: من درواقع زن ایشان نیستم، بلکه روح ایشان هستم. زن دوم سایر دوستان و آشنایان، زن سوم املاك و مستغلات و زن چهارم بدن ایشان است.

پس حالا داستان را از اول بخوانید تا ببینید این مردك به‌جای این‌که روح خود را تقویت کند، مدام به آن سه‌تا ایکبیری رسیدگی کرد و حالا خاك بر سرش. وی که عصبانی بود، فحش‌های زشتی به همه کسانی که ازدواج مجدد می‌کنند، داد و خاموش شد.

برگ‌های دوست‌داشتنی کاج

محققان به‌تازگی موفق به ارائه روشی شدند که با استفاده از آن برگ‌های کاج به رنگ و مواد شیمیایی تبدیل می‌شوند.

به گزارش فارس، سینتا کارتی، دانشجوی دکترای دانشگاه شفیلد بریتانیا به دنبال روش‌هایی برای شکستن «لیگنوسلولزی»، دریافت که با استفاده از ترکیب حلال‌های ارزان دوستدار محیط از جمله گلیسیرین در یك فرآیند شناخته شده به نام «پیرولیز» (تجزیه در اثر حرارت) می‌توان یك پلیمر را به یك مایع روغنی زیستی و یك جامد بیوچار (زغال تهیه شده از زیست‌توده‌های گیاهی و ضایعات کشاورزی) تبدیل کرد.

ترکیبات روغن زیستی گلوکز، استیك‌اسید و فنول می‌توانند به طور نسبی در شیرین‌کننده‌های غذا، رنگ‌ها، چسب‌ها و ضدعفونی‌کننده‌ها مورد استفاده قرار گیرند.

این زغال مشابه محصولات فرعی بیوچار به عنوان یك کاتالیزور در واکنش‌های شیمیایی صنعتی مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

همچنین این فرآیند ضایعات بازیافت برگ‌های سوزنی کاج را به صفر می‌رساند.